

مکاتبات اتابک اعظم

● میرزا علی‌اصغرخان ملقب به امین‌السلطان یا اتابک اعظم از رجال متنفذ و مقتدر دوره قاجاریه بود که در دوره سلطنت سه پادشاه، یعنی ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه از رجال سیاسی بود و به صدراعظمی رسید. او یکی از شخصیت‌های سیاسی پیچیده و کمترشناخته‌شده و درعین حال پرآوازه دوره قاجار است که قضاوت‌های گوناگونی درباره او وجود دارد. برخی او را شخصی نوکرمآب، فرومایه و متملق و عده‌ای او را عامل روسیه در ایران می‌دانند. کتاب «مکاتبات و نامه‌های میرزا علی‌اصغرخان اتابک امین‌السلطان به مظفرالدین شاه» که به‌تازگی از سوی انتشارات تاریخ ایران منتشر شده، از جمله آثاری است که به‌ویژه با توجه به نقش عمده اتابک در روزگار مشروطه به‌عنوان صدراعظمی که در برابر مشروطه مقاومت می‌کرد، در حوزه تاریخ مشروطه اهمیتی وافر دارد. نامه‌های بازمانده از رجال سیاسی، از جمله منابع مهم و دست‌اول برای بررسی وضعیت تاریخی و اجتماعی ادوار گذشته است.

امین‌السلطان در سال ۱۲۸۰ قمری در تهران متولد شد. پدرش میرزا ابراهیم‌خان امین‌السلطان بن اسکندرخان بود. اسکندرخان از مهاجران گرجی بود که در اوایل دوره قاجار به ایران آمد. پس از مرگ میرزا ابراهیم‌خان، براساس گزارش‌های اعتمادالسلطنه، مقام و لقب او از طرف ناصرالدین شاه به پسرش میرزا علی‌اصغرخان واگذار شد. او در زمان حیات پدر نیز مناصبی چون صاحب‌جمعی و همچنین به نیابت از او سرتیپی افواج خواجehوند، سوداگوهی و هداوند را بر عهده داشت. او با هوش و دکاوتی که داشت، به شاه تقرب جست و به‌زودی مناصب زیادی را یکی پس از دیگری به چنگ آورد. در سال ۱۳۰۰ به وزارت دربار و پس از آن به وزارت دفتر، وزارت عظمی و وزارت داخله منصوب شد تا اینکه در اواخر حکومت ناصرالدین شاه به صدارت عظمی رسید. پس از قتل ناصرالدین شاه، میرزا علی‌اصغرخان اولین کسی بود که پیام وفات شاه ماضی و تبریک جلوس پادشاهی را برای مظفرالدین شاه فرستاد و به این وسیله مقام خود را تضمین کرد؛ چنان‌که بعد از تاج‌گذاری مظفرالدین شاه، میرزا علی‌اصغرخان همچنان بر مسند صدارت ایقا شد و تا سال ۱۳۱۵ در این مقام بود و در این سال مقام صدارت بین او و میرزا علی‌خان امین‌الدوله، از رجال خوشنام و نوگرای اواخر دوره قاجار، دست‌به‌دست شد و پس از چندی امین‌الدوله از این منصب برکنار و دوباره میرزا علی‌اصغرخان به این مقام رسید و در نهایت در سال ۱۳۲۱ با تقاضای علما از صدارت معزول و عبدالمجید میرزای عین‌الدوله جانشین او شد. میرزا علی‌اصغرخان بعد از برکناری از صدارت به سیر آفاق و انفس پرداخت و از چند کشور دیدن کرد و در سال ۱۳۲۵ به ایران بازگشت. در این سال دوباره از طرف محمدعلی شاه برای تصدی منصب صدارت فراخوانده شد ولی کمتر از یک سال بر این مقام تکیه داشت تا اینکه در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هنگام خروج از مجلس شورای ملی در بهارستان، توسط شخصی به نام عباس آقای صراف تبریزی ترور شد. چنان‌که مؤلفان در مقدمه کتاب ذکر می‌کنند تاکنون درباره کارنامه اعمال امین‌السلطان پژوهش مستقلی به رشته نگارش درنیامده است و بر این پایه می‌توان گفت گردآوری و انتشار این کتاب که شامل نامه‌ها و مکاتبات امین‌السلطان با مظفرالدین شاه است می‌تواند تسهیلگر انجام چنان پژوهشی باشد که برای احصای نقش امین‌السلطان در تاریخ قاجار و به طور ویژه تاریخ مشروطه از اهمیتی بالا بهره می‌برد. مکاتبات گردآوری‌شده در این کتاب، نامه‌هایی است که اتابک به مظفرالدین شاه نوشته و ازاین‌رو، مضمون وینکب نامه‌ها درباره حوادث و کارهای جاری مملکت و مکاتبات و مشروح مذاکرات اتابک با سفارت روس، انگلیس و فرانسه و به دنبال آن با شاه است. از نکات جالب این نامه‌ها، وضعیت درماندگی دولت مرکزی و میزان نفوذ دولت روس و انگلیس در ایران است. از مشخصات این نامه‌ها، تملق و چاپلوسی صدراعظم نسبت به شاه است که در آن دوره رواج تام داشته است و بخشی از سنت نامه‌نگاری درباری در دوره انتهایی قاجار محسوب می‌شود؛ مثلاً یکی از نامه‌ها این‌چنین آغاز می‌شود: «قربان خاک پای جواهر‌آسای اقدس مبارکت شوم. از زیارت دستخط جهان‌مطاع اقدس همایون قبله عالم ارواح‌افده چشم غلام روشن‌ گردیده و از بذل آن همه مراجع بلانهایت خسروانی نمی‌داند به کدام زبان تشکر نمایم، جز اینکه از خداوند مسئلت نماید که جان ناقابل این غلام را تصدق خاک پای مبارک گرداند.» این نامه‌ها فاقد تاریخ است و کتاب نامه‌ها به خط شکسته‌ستعلیق صورت گرفته است. البوم این نامه‌ها، به شماره ۱۵۰ از جمله آلبوم‌های وجوهات سلطنتی سازمان اسناد و کتابخانه ملی است. این آلبوم شامل صد برگ و مشتمل از ۱۹۲ نامه است و در سال ۱۳۲۱ قمری گردآوری شده است. مصححان کتاب بر پایه این آلبوم دست به تصحیح و گردآوری این اثر زده‌اند.

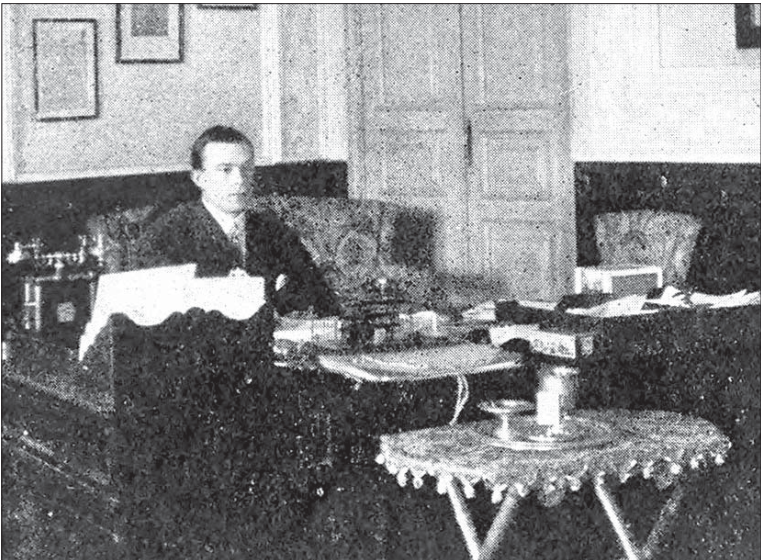
مکاتبات و نامه‌های امین‌السلطان به مظفرالدین شاه به کوشش سعادت پیرا و علی‌رضا نیک‌نژاد
انتشارات تاریخ ایران



اندیشه

انتشار کتابی جدید درباره مورگان شوستر

زور آزمایی روس‌ها در ایران



ویلیام مورگان شوستر مستشاری آمریکایی بود که در سال ۱۲۸۹ شمسی به ایران آمد و به منظور رفع نابسانمائی‌های اقتصادی به‌عنوان خزانه‌دار کل استخدام دولت ایران شد. اما با گذشت هشت ماه از خدمت او، روسیه به دولت ایران اولتیماتوم داد که اگر شوستر از ایران خارج نشود، به ایران حمله خواهد کرد. هر چند مجلس در برابر این تهدید مقاومت کرد اما دولت به آن تن داد. بحرانی که در آن تاریخ پیش آمد و منجر به لشکرکشی روسیه تزاری به ایران شد، از مهم‌ترین حوادث تاریخ ایران است. شوستر خاطرات آن هشت ماه را به همراه پیش‌زمینه انقلاب مشروطه در کتابی با عنوان «اختناق ایران» نوشت که امروز از جمله منابع مهم درباره انقلاب مشروطه به شمار می‌رود (این کتاب قبلا با ترجمه ابوالحسن موسوی‌شوشتری به فارسی منتشر شده بود و در سال ۱۳۸۶ ترجمه جدیدی از آن با قلم حسن افشار از سوی نشر ماهی منتشر شد). اخیرا کتاب دیگری با عنوان «با ایران چه‌ها که نکردند» انتشار یافته که اطلاعات سودمند و جدیدی درباره مأموریت شوستر و آن برهه سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران به دست می‌دهد. این کتاب در ۵۸۰ صفحه مشتمل بر عکس و متن یادداشت‌های دوزبانه مطبوعات انگلستان و بریده جراید و متن تلکس خبرگزاری‌های خارجی مربوط به ایران در سال ۱۹۱۱ میلادی است. گردآوری مطالب توسط محسن میرزایی صورت گرفته است و او در مقدمه کتاب دربارهٔ این مجموعه این‌گونه توضیح می‌دهد: «۲۵ سال پیش یکی از کتاب‌فروشان تهرانی تعداد زیادی کتاب و آلبوم از هندوستان خریداری کرده و به تهران آورده بود، من از او چند آلبوم قدیمی و تعدادی عکس خریداری کردم. ضمنا در میان کتاب‌هایی که او از هندوستان خریده بود، کلاسوری وجود داشت که در آن بریده جراید انگلیسی چسبانه شده بود. از روی کنجکاری این (کلاسور) را نیز خریداری کردم، وقتی به خانه آمدم و مطالعه کردم به این نکته پی بردم که این بریده جراید مربوط به وقایع ایران در سال ۱۹۱۱ میلادی و زمانی است که دولت ایران مستر شوستر آمریکایی را استخدام کرده بود و روس‌ها و انگلیس‌ها که نمی‌خواستند پای آمریکایی‌ها به ایران باز شود، به رغم اختلافات فی‌مابین، همگام و متحد شده بودند تا مستشار آمریکایی را به هر قیمتی که بتوانند از ایران بیرون کنند. کسی که این بریده جراید تهیه می‌کرده است، احتمالا یکی از مرنشی‌های سفارت انگلیس بوده است که پس از اتمام مأموریت خود به هندوستان رفته و این کلاسور را نیز با خود به آن کشور برده است». سال ۱۲۹۰ شمسی (۱۹۱۱-

و «کتاب آبی» نشریه وزارت امور خارجه انگلستان و «کتاب نارنجی»، نشریه وزارت خارجه روسیه تزاری به تفصیل آمده است، اما آنچه تاکنون ناگفته مانده بود، عکس‌العسل اخبار این بحران در جراید اروپایی و آمریکایی است. از آنجا که درک وقایع آن سال مستلزم اشراف بر یک سلسله وقایع رویدادهای تاریخی است، در مقدمه کتاب حوادث آن برهه فهرست‌وار مرور می‌شود و سپس بریده جراید انگلستان و گفت‌وگوهای مجلس عوام درباره رویدادهای آن ایام پیرامون این حادثه آمده و روند امور را به تفصیل با عکس‌ها و اسناد



با ایران چه‌ها که نکردند
به کوشش محسن میرزایی
ناشر: کتابسرا
چاپ اول: ۱۳۹۹
قیمت: ۱۹۵۰۰۰ تومان

مسئولیت اخلاقی در حرفه نشر: ماجرای انتشار کتاب «با ایران چه‌ها که نکردند»

شهریار خواجهیان، مترجم و ویراستار

است و زحمت کشیده و از این‌گونه سخنان توجیه‌آمیز! کتاب را باز کردم و نگاهی به بخش شناسه کتاب انداختم، دیدم در بخش مترجم هم باز نام آن شخص و دخترش می‌نو (۲) نوشته شده است و هیچ نام و نشانی از من نیست! گفتیم جناب ص. سر چا نامی از من در اینجا نیست. اول گفت اشتباه شده... بعد گفت یادشان رفته نام را بگذارند و بعد در آخر گفت... فکر کنیم خودتان نمی‌خواهید نامی از شما در این کتاب باشد! گفتیم من کی چنین درخواستی از شما کردم؟ شما نیت‌خوانی کردید؟ پس از اندکی تأمل و فروخوردن خشمم از این ناسپاسی و حتی اهانت آشکار چیزی نگفتم و بدون هیچ حرف و بدیعی از ساختمان «شیک» انتشارات کتابسرا بیرون زدم و دیگر پشت سرم را هم نگاه نکردم. در بازگشت به خانه با خود اندیشیدم که واقعا به قول شیرازی‌ها، چطو شد که ایطو شد؟ بعد یادم به سخنی افتاد که ص.س در همان روز به من گفته بود: والله من این‌کاره نبودم! کار اصلی‌ام پیش از انقلاب بانک‌داری و امور مالی بود، و خلاصه اینکه «با سر حادئه‌ینجا آمده‌ام!» آری پس از چند سال آشنایی با این «بزرگوار» تازه بر من معلوم شد که ایشان و همکارانش این‌کاره، یعنی ناشر، نیستند و آنچه بر سر من و این کتاب کدایی آمده ناشی از «ندانم‌کاری» او و همکارانش است. البته اگر خوش‌بینی به خرج دهم و نخواهم نیمه بیشتر خالی لیوان را ببینم و بگویم که ایشان عادلانه و به قصد اهانت به شخص من (به دل‌آلایی که البته بر من روشن نیست) چنین ناکاری را کرده است. چند روز بعد، آن آشنایی میانجی وقتی داستان را شنید سخت شرمنده شد از اینکه واسطه آشنایی من با آن جناب و انتشاراتی متوجهش شده بود. به او گفتیم که از طرف من به ناشر بگو یا باید خسارت عمدتا معنوی و بخش مادی من را جبران کند، یا اینکه دست به کمترین کاری که می‌توانم بکنم، می‌زنم؛ طرح موضوع و دادخواهی یک حق در رکن چهارم دموکراسی! متأسفانه ناشر وقعی به این پیشنهاد نگذاشت و فقط به این بسنده کرد که بگوید در چاپ دوم کتاب این «اشتباه سهوی» را جبران می‌کنیم و حقوق مادی ایشان را هم می‌دهیم که این برای من به‌اصطلاح «عده لولو سر خرمن» بود، چون در این بازار راکد و درعین‌حال گران کتاب و کتاب‌خوانی، انتظار آن نمی‌رود که کتاب مذکور به چاپ دوم برسد و تازه اگر هم برسد اصلا معلوم نیست که ایشان به قول شفاهی و با واسطه خود وفا کند! این نامه در واقع انجام همان «کمترین کار» برای دادخواهی است.

در پایان ضمن تأکید و سوگند به حرمت قلمی که چهل‌واندی سال است با آن دمخورم و حاصل آن ترجمه ۳۰ کتاب و نزدیک به صد مقاله بوده است، اعلام می‌کنم که همه مطالب گفته‌شده در بالا (به جز شاید برخی پس و پیش‌شدن‌های ناچیز زمانی) عین واقعیت روی داده است، فرصت را غنیمت شمرده و از مقامات دست‌اندرکار امور بانکی و مالی کشور صمیمانه درخواست می‌کنم که کاری درخور «تخصص» این جناب ص.س نشر کتابسرا پیدا و به ایشان عرضه کنند تا حرفه به‌راستی شریف نشر که ناشرانی شریف، زحمتکش و کاردار با همه دشواری‌های گم‌رشکن مالی و غیرمالی در آن فعالیت می‌کنند و چراغ فرهنگ این ملک را روشن نگه می‌دارند، از دست داندگارانی مانند جناب ص.س محفوظ بماند!

با احترام و سپاس

طرف دولت، به علی‌قلی‌خان نبیل‌الدوله شارز‌دافر ایران در آمریکا دستور داده شد که افراد شایسته‌ای را برای این منظور بیابد و استخدام کند. شرح این مسائل به طور مبسوط در کتاب «اختناق ایران» از زبان خود شوستر آمده است. او در این کتاب به شرح استخدام خود در ایران و ماجرای اولتیماتوم روسیه می‌پردازد. تا آنجا که می‌دانیم شوستر نظم و ترتیبی در کار پدید آورد و طرز رفتار وی موجب بروز مشکلاتی نیز شد.

مستششار مالی با اختیارات تازه‌ای که از مجلس گرفت، در عداد شخصیت‌های بلندپایه کشور قرار گرفته و ناگزیر از رفت‌وآمد با مراجع اداری و سیاسی کشور بود: «باری، قهرمان بازی‌های تندروان مجلس، شوستر را مجذوب کرد و شوستر با آنها سخت روی هم ریخت و طبیعتا با افراد اعتدالی و مخالفین دموکرات‌ها به مخالفت برخاست و همین امر باعث رنجش بسیاری از اعتدالیون و بزرگان کشور شد تا اینکه موضوع بازگشت محمدعلی شاه پیش آمد و مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان و بیش از همه دموکرات‌ها، به مخالفت با محمدعلی شاه پرداختند و در مجلس قانون حکومت نظامی تصویب شد و قرار شد که قشونی برای مقابله با محمدعلی شاه پرداخته آید و ضمنا برای سر شاه و برادرانش جایزه معین گردید و شوستر همه این مخارج را تأمین کرد و بالتجربه شاه مخلوع شکسته و خسته از ایران گریخت. این امر بیش از هر چیز بر روس‌ها گران آمد، روس‌ها با زیرپا گذاشتن همه اصول و قوانین سیاسی و بین‌المللی حتی قول و قرار دیپلماتیک، محمدعلی شاه را به عنوان تاجر بغدادی از روسیه تا ایران آوردند، بلکه او را بار دیگر به سلطنت نشاندند، ولی شوستر با کمک‌های مالی خود مانع این قضیه شد. کمی بعد از این، موضوع اخذ مالیات از اشخاص متنفذ پیش آمد و باز هم با همان شدت و سختی از افرادی که خود را سهیم در مال دولت و ملت می‌دانستند مطالبه مالیات کرد.

در بخشی از مقاله نویایی آمده: «به نظر من شوستر مستخدم دولتی ایران بود و اساسا نیل‌بایست در سیاست مداخله کند و جانب حزبی را در برابر حزب دیگر بگیرد و از آن فراتر، وضع دولت ایران را در نظر گیرد و در مقابله و رویارویی با دولتیون روس و انگلیس آرام، پخته و سنجیده دست به اقدام زند و بین ایرانیان از هر دسته که باشند، فرق نگذارد و با توجه به حساسیت سیاسی ایران، رعایت احتیاط را منظور کند، کاری که او هرگز نکرد. او به آرامی و احترام از ایران رفت ولی مردم ایران چه‌ها کشیدند و چه تحقیرها دیدند و چه جوان‌ها که دادند و چه مصیبت‌ها که تحمل کردند» (ص ۳۹).

معضل تاریخی پناه‌جویی

● چنان‌که از ادبیات یونان باستان برمی‌آید، مسئله آوارگی همواره مشکلی جدی در جوامع انسانی بوده است. آثار بی‌شمار ادبی، از اودیسه هومر تا ادیپوس در کولونوس سوفوکلس، به افراد دربه‌در و بی‌خانمانی پرداخته‌اند که دنبال پناهگاه می‌گشتند. خانه‌به‌دوشی در یونان باستان امری رایج بود. کتاب «پناه‌جویان در گذر تاریخ» نوشته گری وینر که به‌تازگی با ترجمه شهریانو صارمی از سوی انتشارات ققنوس راهی بازار نشر شده است، به بررسی و تحلیل تاریخی معضل بی‌خانمانی و آوارگی می‌پردازد. این کتاب هفتادوپچهارمین عنوان مجموعه «تاریخ جهان» است که این ناشر چاپ می‌کند. مجموعه تاریخ جهان اندیشه‌های سیاسی، فرهنگی و فلسفی تأثیرگذار را در گذر تمدن از بین‌النهرین و مصر باستان به یونان، روم، اروپای قرون وسطی و دیگر تمدن‌های جهانی تا روزگار ما بی می‌گیرد. موضوع اصلی کتاب «پناه‌جویان در گذر تاریخ»، درباره پیشینه تاریخی پدیده پناه‌جویی است. مسئله پناه‌جویی و آوارگی، قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد. آزار و اذیت به خاطر نژاد، دین، قومیت، عقاید سیاسی، عضویت در گروه اجتماعی خاص، جنگ‌های داخلی، خشونت، فقر و... از جمله عواملی هستند که باعث مهاجرت انسان‌ها می‌شوند. به گفته نویسنده کتاب در دو قرن اخیر و پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم در اروپا، جنگ‌های اخیر در خاورمیانه و آفریقا، آوارگی و پناه‌جویی به یک مسئله بحرانی در جهان تبدیل شده است. به‌همین دلیل از میانه‌های قرن بیستم، سازمان‌های بین‌المللی برای سازماندهی آوارگان و پناه‌جویان، فعالیت‌هایی را آغاز کرده‌اند که تا امروز ادامه داشته؛ اما از همان نیمه قرن بیستم تا امروز، همیشه اختلاف‌نظرهایی درباره پناه‌جویان و آوارگان وجود داشته است. عده‌ای خواهان کمک و پذیرش آنها بوده و هستند و عده‌ای هم به چشم تهدید به آنها نگاه کرده‌اند. تصمیمات سیاسی هم در این میان، روی سرنوشت پناه‌جویان تأثیر زیادی داشته است. به نوشته کارلند، «از زمان‌های بسیار قدیم یونانیان همواره در حال جابه‌جایی بودند و از مسکن مانوس خود یا به‌اجبار دیگران رانده می‌شدند یا به دلیل مسائل اقلیمی. این ماجرا در سراسر عصر باستان ادامه داشت.» آماری از آوارگان زبندیا باستان را دست نیست، اما بی‌خانمانی رویدادی معمولی بود و اکثر آوارگان «که زمانی پیوندهای محکمی با زادگاه خود داشتند، بی‌آنکه نشانی از آنها باقی بماند، ناپدید می‌شدند.» این تا حدی بدان دلیل است که هیچ‌یک از مورخان آن زمان چندستان علاقه‌ای به افراد معمولی خانه‌به‌دوش نداشتند. به استدلال کارلند، «هرچند برخی از یونانیان نواور چیزی مانند روزنامه ابداع کرده بودند، واقعا شک دارم که اخبار مربوط به آوارگان سرخط آن بوده باشد.

برای هیچ‌کس پیامدهای گسترده جنگ، قطعی و رنج‌های هزاران قربانی چنین مصیبت‌هایی اهمیت نداشت. بااین حال معلوم است که تعداد زیادی از یونانیان مشهور مجبور به جابه‌جایی و پناهندگی در سرزمین‌هایی غیر از سرزمین مادری خود شدند. از جمله ارسطوی فیلسوف، بعدها در دوران روم نیز تعداد پناه‌جویان بسیار بود و رومی‌ها تا حدی با این بی‌خانمان‌ها به سبب وضع اسفناک‌شان همدردی می‌کردند که با توجه به خستگی امپراتوری روم جای تعجب ندارد. قرن بیستم شاهد افزایش آوارگان و پناه‌جویان بیش از هر زمان دیگر بود. اوایل قرن بیستم، بحران پناهندگی از دو نظر با دوره‌های قبل تفاوت داشت: تفاوت اول در تعداد بود، با یک میلیون آواره ارمنی، ۱/۵ میلیون آواره روس و ۱/۸ میلیون آواره اروپایی که از خاک‌های منطقه می‌گریختند؛ تفاوت دوم آن بود که با ظهور دولت ـ ملت‌ها، آوارگان دیگر نمی‌توانستند به‌راحتی وارد سرزمین‌های دیگر شوند و با مسکن آنها بیامیزند. آوارگان قرن بیستم روزبه‌روز بیشتر مرزها را به روی خود بسته می‌دیدند و کشورهایی که پیش‌تر به آنها پناه می‌دادند، در این زمان دیگر روی خوش نشان نمی‌دادند؛ مثلا در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، ایالات متحده مشوق مهاجرت آزاد بود، اما اواخر قرن نوزدهم، این کشور شروع به تصویب قوانینی کرد که از ورود برخی مهاجران مانعیت می‌کرد؛ این نمونه قانون مانعیت از ورود چینی‌ها در سال ۱۸۸۲ و قانون کارگران قراردادی بیگانه در سال ۱۸۸۵ مانع مهاجرت انبوه شد. واکنش به قوانین ضدمهاجرت در اوایل قرن بیستم باعث به‌وجودآمدن نهادهی برای سهمیه‌بندی در سال ۱۹۲۱ و پس از آن تصویب قانون مهاجرت در سال ۱۹۲۴ شد که جریان مهاجرت به ایالات متحده را به‌شدت محدود کرد. سیاستمداران برجسته این دوره در مبارزات انتخاباتی خود از اهرم ترساندن مردم از «دزدیدن» کار آمریکاییان به دست کارگران مهاجر استفاده می‌کردند. با وجود تاریخ طولانی این کشور در پذیرش مهاجران موفق و توانا، این ترس باعث نوعی بی‌اعتمادی به مهاجران و انزجار از آنان شد.



پناه‌جویان در گذر تاریخ
گری وینر
ترجمه: شهریانو صارمی
ناشر: ققنوس